

تحولات کیفرشناسی در قانون جزایی ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱۲/۲۲ ، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۴/۰۸)

مهدی شهرکی

چکیده

مباحث حساس جرم‌شناسی، برخوردی است که نظام کیفری با اطفال بزهکار می‌کند. به دلیل اهمیت سن کودکی و نوجوانی و تاثیری که این دوران در ساخت شخصیت آینده کودک می‌گذارد و همچنین با توجه به اینکه کودک و نوجوان با بزرگسالان از نظر توان جسمی و روانی تفاوت‌هایی دارد، واکنش نظام کیفری به بزه این قشر اهمیت زیادی دارد. تعیین سن کودکی، مجازات‌ها و مسئولیت‌های کیفری وی در جامعه مانند دیگر قوانین کشور، با استخراج از شرع مقدس صورت می‌گیرد. اما با توجه به مقتضیات زمان و البته فتوای فقها تغییرهایی در این مقررات رخ داده است که در مقررات جدید قانون مجازات اسلامی بازتاب داشته است. با این تغییرها، علاوه بر اینکه اصل چهار قانون اساسی مبنی بر اینکه «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید براساس موازین اسلامی باشد» رعایت می‌شود، مقررات کنوانسیون حقوق کودک که با تصویب مجلس در حکم قوانین داخلی می‌باشد و مقتضیات و ضرورت‌های زمان نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲۲۹



واژگان کلیدی: کیفرشناسی، قانون مجازات اسلامی، قانون جزایی، مجازات و کیفر

بخش اول: مفهوم مجازات

مجازات در لغت به معنای جزا دادن، پاداش و کیفر آمده است در اصطلاح حقوقی تعاریف متفاوتی از مجازات آمده است: «مجازات عبارت از تنبیه و کیفری است که بر مرتکب جرم تحمیل میشود. مفهوم رنج از مفهوم مجازات غیر قابل تفکیک است و در واقع رنج و تعب است که مشخص حقیقی مجازات می‌باشد.» و یا «مجازات واکنش جامعه علیه مجرم است. در مورد تعریف ارائه شده باید اذعان نمود که علمای حقوق در بدست آوردن حقیقتی از مجازات و تعریف واقعی و اصطلاحی آن عنایت خاصی مبذول نداشته اند چرا در تعریف مجازات بایستی جنبه‌های مختلف آن مطمح نظر قرار گیرد: اولاً-مجازات ملازمه با عدالت واقعی دارد. پس اولین نکته در بیان تعریف مجازات، رعایت عدالت است. ثانیاً- اگر برای شناخت حقیقت مجازات به تاریخ مراجعه کنیم، ملاحظه میشود که مجازات در ابتدای امر عبارت از عکس العمل جامعه در مقابل عمل مجرمانه بوده، ولی بعد ها که جامعه تشکیلات و انتظامی یافت و دولت به وجود آمد، این عکس العمل اجتماعی هم شکل حقوقی به خود گرفت. بنابراین مجازات باید هدفی را تعقیب و این هدف می‌بایست در تعریف کاملاً مشخص گردد. ثالثاً- واضح و اجرا کننده مجازات باید در تعریف ذکر شود. رابعاً- محدوده مجازات باید مشخص شود. با توجه به این نکات میتوان مجازات را این گونه تعریف کرد: «مجازات مجموعه قواعد مورد تأیید جامعه است که ضامن اجرای عدالت واقعی است و سعی در هدایت مجرم اصلی و یا احتمالی، بازدارندگی دیگران از ارتکاب جرم، ارضاء فطرت عدالت خواهی مجنی علیه و حمایت از جامعه را دارد که توسط قوه مقننه وضع و به وسیله قوه قضاییه به مورد اجرا گذارده می‌شود» حال که مجازات از نظر حقوقی مشخص شد، باید دید قانون گذار جرم را چگونه تعریف نموده است: در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هر فعل و ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود» با توجه به منطوق این ماده و تعریف اصطلاحی مجازات، میتوان چنین نتیجه گرفت که: «مجازات آزاری است که قاضی به علت ارتکاب جرم به نشانه نفرت جامعه از عمل مجرمانه و مرتکب آن برای شخصی که مقصر است برطبق قانون تعیین میکند. آزار را، که صدمه‌ای به حقی از حقوق مجرم وارد



می‌آورد نباید هدف مجازات تلقی کرد. هدف مجازات اصلاح مجرم، دفاع اجتماعی و اجرای عدالت است. آزار وسیله نیل به این هدف عالی است. مجازات قاضی در حدودی که قانون معلوم نموده است، تعیین می‌کند. مجازات ضامن اجراء قواعد مربوط به نظم عمومی است و از سایر وسائل تضمینیه ممتاز و مشخص است. مجازات شخصی است و برای همه یکسان است.»

بند اول : طبقه بندی مجازات

مجازات‌ها از نظر هدف، شدت و خامت و حقوقی که بر اثر آنها محدود می‌شود، قابل طبقه‌بندی می‌باشد در این مبحث ابتدا به ذکر طبقه بندی مجازات‌ها پرداخته و سپس از مجازات‌های مهم سخن خواهیم گفت:

در نظام جزائی، زمانی که صحبت از اجرای نوع خاصی از مجازات به میان می‌آید، بدون شك اهداف و خواسته‌های عمل مورد نظر می‌باشد. این اهداف در عصر وزمانی دچار تغییرات و دگرگونی شده، چنانچه زمانی مجازات‌ها جنبه اخلاقی و زمانی جنبه ارعابی و گاهی نیز هدف مجازات اصلاح و تربیت مجرم بوده است. جهت سهولت موضوع، ابتدا اهداف مجازات را از نظر اسلام مورد بررسی قرار داده و سپس اهداف مذکور را براساس دکترین و حقوق عرفی مورد گفتگو قرار خواهیم داد.

بند دوم : اهداف مجازات از نظر اسلام

در حقوق جزا اسلامی به فطرت انسانی توجه زیادی شده و آن را پاک و منزه می‌دانند چرا که می‌گویند: «وَتَفَحْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» در آن از روح خود بدمم.^۱ و از آنجائی که کمال جوئی در فطرت انسان گنجانیده شده میبایست عدالت مطلق را که در قرآن مجید کراراً از آن یاد شده، بر جهان حکمفرما کنند تا به مقصود برسند.^۲ و این عدالت تنها از طریق حاکمیت اسلام بر جهان امکان پذیر است. در حاکمیت اسلام، برای ارشاد مجرمین راه‌های گوناگونی در نظر

۱. سوره حجر، آیه ۲۹

۲. سوره انعام، آیه ۱۵۱



گرفته شده، ولی گاهی اوقات در آخرین مرحله، اسلام این اجازه را داده است که مجرمین را به کیفر اعمال خود برسانند.

بند سوم: جلوگیری و پیشگیری از ارتکاب جرم

دین اسلام از طریق قراردادن مراحل مختلف، سعی و کوشش در جلوگیری و پیشگیری از ارتکاب جرم دارد: «مردان زنان مومن همه یار و دوستدار یکدیگرند. خلق را به کار نیکو وادارد واز کار زشت منع کن». بنابراین قراردادن امر به معروف و نهی از منکر موجبات جلوگیری از ارتکاب جرم را فراهم می‌سازد.

بند چهارم: اهداف مجازات از نظر حقوق عرفی

اهداف مجازات از نقطه نظر عرفی به سه دسته هدف سودمندی، هدف اخلاقی و هدف اصلاحی تقسیم می‌شود:

مهمترین هدفی که حقوق جزای عرفی از ابتدا دنبال نمود، همان هدف سودمندی است. منظور از سودمندی و جنبه ارعایی مجازات این است که به وسیله اعمال کیفری نسبت به مجرمین، از طرف اشخاص غیر مجرم و انهاوی که قصد ارتکاب جرم را دارند، مرعوب شده و گرد ارتکاب جرم نگردند که به آن نقش «پیشگیری عمومی» می‌نامند. واز طرف دیگر خود مجرم از ارتکاب جرم جدید، خوداری نماید که به آن نقش «پیشگیری فردی» می‌نامند.

عدالت و اخلاق از قدیمترین هصول موثر در امر مجازات می‌باشد امانوئل کانت معتقد بود که اگر مجازات، از نظر اجتماعی متضمن فایده هم نباشد، ولی باید مجرم را به کیفر رسانیده که تا بدین ترتیب، عدالت رعایت شود. گر چه امروزه نقش اخلاقی، نقش اصلی مجازات نیست واصولاً در تحمیل مجازات، منظور فقط جبران وپاداش عمل ارتکابی گذشته نیست، بلکه تضمین دفاع اجتماع بوسیله اصلاح مجرم نیز هدف از مجازات محسوب می‌شود، مه هذا لزوم تنبیه اخلاقی تبهکار در اعماق فکر مردم که عقیده دارند، باید مجرم دین خود را به جامعه ادا کند باقی وپابرجاست. در زمان اخیر با توسعه افکار و عقاید مکتب تحقیقی و دفاع اجتماعی نوین، اصلاح و تربیت مجرم از اهداف مهم وخطیر مجازات قرار گرفت، به نحوی که پیشنهادها و نظرها و برنامه ریزی های بسیاری از طرف متخصصین امور جزائی، علمای جامعه



شناسی، روان شناسان و علوم ذریبط دیگر ارائه شد تا محکومین تحت تاثیر اقدامات و تمهیدات موثر اصلاح گردیده و مجددا وارد اجتماع شده و همچون دیگران به زندگی شرافتمندانه‌ای پردازند.

بند پنجم: طبقه بندی مجازات بر مبنای شدت و خامت آن

به موجب اوستا، جرم از جهت ضعف و شدت هفت مرحله دارد و این مراحل عبارتند از:

۱- اسلحه به دست گرفتن. ۲- زدن. ۳- مجروح کردن. ۴- خون ریختن. ۵- استخوان شکستن. ۶ و ۷- لطمه به عقل یا احساس وارد آوردن^۱

در ایران باستان تعریف مشخصی از جرم وجود نداشته است، اما می‌توان گفت انواع جرایم (بی آنکه طبقه بندی خاصی بتوان ارائه کرد) عبارت بوده از:

۱- جرم علیه دین، مانند توهین به اشیاء یا اماکن مقدس.
۲- جرم علیه پادشاه، مانند توهین یا سوء قصد به شخص شاه و یا حتی به مال او. نظر به اینکه همه چیز در شخص شاه خلاصه می‌شده و دولت نیز در معنی خاص خود وجود نداشته و شاه خود عین دولت بوده، می‌توان اینگونه جرایم را در یک ردیف قرار داد.
۳- جرم علیه خانواده پادشاه، مانند توهین یا سوء قصد به هر یک از افراد خانواده شاهی.

۴- جرم فرد، علیه فرد، مانند رابطه برقرار کردن با زن شوهردار، گرفتن رشوه، دزدی حیوانات یا ایراد ضرب و جرح^۲

مهم‌ترین طبقه بندی در حقوق ایران بر اساس قانون سابق تقسیم جرایم به جنایت، جنحه و خلاف است. ماده ۷ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۵۲ مقرر می‌دارد که ((جرم از حیث شدت و ضعف مجازات بر ۳ نوع جنایت، جنحه و خلاف است.)) (در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ جنحه به دو قسم مهم و کوچک تقسیم شده بود). قانونگذار جرایمی را که متضمن خطر بیشتری برای جامعه باشند جنایت می‌نامد و مجازات‌های سنگین تری برای آن مقرر می‌کند و جرایمی را که شدت کمتری دارند، جنحه می‌شمارد و مجازات خفیف تری

^۱ - خزائلی، محمد، احکام قرآن، سازمان انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۶۰، ص ۶۰۸

^۲ - نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۸۲، ص ۸۹



برای آن در نظر گرفته است و سرانجام جرایمی که حداقل صدمه و خطر را برای افراد فراهم می‌آورند، خلاف نامیده است که مجازات سبکی دارند. ضابطه و معیار تشخیص نوع جرایم ارتكابی نظر و تصمیم قانونگذار است و بدیهی است که قانونگذار با توجه به ارزش و عقاید معتبر جامعه یا برداشتی که نسبت به حمایت از مصالح متنوع حیات اجتماعی دارد، اعمال نابهنجار را براساس شدت و خطر آنها به ترتیب به جنایت، جنحه و خلاف تقسیم می‌کند. در مواد قوانین جزایی نوع جرایم بیان نشده؛ ولی برای هر عمل مجرمانه مجازاتی پیش بینی گردیده است که با توجه به آن می‌توان جرم ارتكابی را تشخیص داد.^۱ مجازات انواع جرم در مواد ۸، ۹ و ۱۲ قانون مجازات سال ۱۳۵۲ تعیین شده و مطابق ماده ۱۱۸ آن مجازات‌های اصلی جنایت به قرار زیر هستند:

۱- اعدام ۲- حبس دائم

۳- حبس جنایی درجه یک از ۳ تا ۱۵ سال

۴- حبس جنایی درجه دو از ۲ تا ۱۰ سال مطابق ماده ۹ همان قانون

مجازات‌های اصلی جنحه به قرار زیر می‌باشند:

۱- حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا ۳ سال.

۲- جزای نقدی از ۵ هزار و یک ریال به بالا.

و سرانجام برابر ماده ۱۲ قانون مجازات سال ۱۳۵۲، مجازات خلاف، جزای نقدی از ۲۰۰ ریال تا ۵ هزار ریال است. از آنجا که اعدام جزء مجازات‌های اصلی جنایت است، بنابراین قتل عمد جنایت و مضمول مقرراتی می‌باشد که قانون در مورد این نوع جرایم اجرا می‌کند. نسخ عناوین خلاف جنحه و جنایت توسط قانون مجازات اسلامی یا اعتبار آن: گفته شده تقسیم جرایم به قصاص، حدود، دیات و تعزیرات. عناوین خلاف و جنحه و جنایت را نسخ نموده باشد؛ زیرا تقسیم جرایم به خلاف، جنحه و جنایت به اعتبار شدت و ضعف مجازات آنها بوده

^۱ - صاعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج دانش، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۷۶، ص ۳۳۸

و تقسیم مجازات به قصاص، حدود، دیات و تعزیرات به اعتبار مجازات‌ها می‌باشد که در این خصوص به قسمتی از نظریه مشورتی اداره حقوقی اشاره می‌گردد:

((تقسیم جرایم به قصاص، حدود، دیات و تعزیرات نافی و معارض تقسیم آنها به خلاف، جنحه و جنایت نیست؛ زیرا تقسیم اخیر به اعتبار شدت و ضعف مجازات و بیشتر مربوط به تعزیرات می‌باشد؛ یعنی مجازات‌های تعزیری حسب شدت و ضعف به خلاف، جنحه و جنایت تقسیم می‌شوند؛ اما تقسیم به قصاص، حدود، دیات و تعزیرات به اعتبار دیگری است و هیچ مانعی ندارد که یک مقسم به اعتبارات مختلف تقسیم شود. بنابراین نمی‌توان گفت که چون در قانون راجع به مجازات اسلامی جرایم به حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم شده‌اند، عناوین خلاف، جنحه و جنایت منسوخ است.)) ولی به نظر می‌رسد این طبقه بندی در قانون مجازات اسلامی وجود ندارد زیرا اگر وجود داشت می‌بایست مانند قانون سابق و اسبق ایران و فرانسه در موادی نوع جرایم مشخص می‌شد تا آثار و فواید آن نیز بر نظام حقوقی بار شود. در مقررات جزایی اسلام، ملاک طبقه بندی، نوع کیفری است که شرع مقرر فرموده است. بنابراین جرایم بر حسب مجازات‌ها طبقه بندی می‌شوند؛ که چهار طبقه‌اند: جرایم مستحق قصاص، حدود، دیات و تعزیرات. وخامت و شدت مجازات یکی دیگر از مبانی طبقه بندی آنهاست. از این نقطه نظر، مجازات دائمی در مقابل مجازات موقت قرار می‌گیرد. دوام و موقت بودن از ملاک‌هایی است که منحصراً جهت مقایسه جرائم سالب آزادی به کار می‌رود. قانونگذار برای تعیین درجه وخامت مجازات، در قانون مجازات عمومی سابق سه درجه مجازات، جنائی، جنحه و خلاف را به دست داده بود. ولی در قانون مجازات اسلامی، این طبقات بر حسب نوع جرائم به پنج دسته، حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات بازدارنده تقسیم بندی شده است:

بخش دوم: انواع مجازات در قانون مجازات عمومی سابق

قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، با الهام از قوانین خارجی، جرائم را از حیث شدت و ضعف به چهار درجه، جنایت، جنحه مهم، جنحه کوچک و خلاف تقسیم کرده بود. این قانون در سال ۱۳۵۲ اصلاح شد و چهار درجه به سه درجه جنایت، جنحه و خلاف تقلیل یافت.



به موجب ماده ۸ قانون مجازات اصلی جنایت عبارت بودند از: اعدام، حبس دائم، حبس جنائی درجه یک از سه سال تا پانزده سال و حبس جنایی درجه دو از دو تا ده سال. مجازات اصلی جنحه عبارت بودند از: حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا ۳ سال و جزای نقدی از ۵۰۰۱ ریال به بالا. و نهایتاً برای مجازات خلاف، جزای نقدی از ۲۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال را تعیین کرده بود. بدین ترتیب قانونگذار، شدیدترین مجازات را مجازات جنائی و خفیف‌ترین آن را مجازات خلاف قرار داده بود.

بند اول: انواع مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جنبش کُلی در تغییر قوانین موجود به عمل آمد. اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در باب قوانین، چنین می‌گوید: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و... باید براساس موازین اسلامی باشد...». طبق ماده ۱۲ این قانون، مجازاتهای مقرر پنج قسم است: حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده. این تقسیم بندی براساس نظر فقها و موازین اسلامی تعیین شده که بیشتر جنبه حقوق جزای اختصاصی داشته و در باب کتاب القضاء، کتاب شهادت و... مورد بحث و بررسی اکثر فقهای اسلامی قرار گرفته است.

حدود جمع حدّ است. حد در لغت به معنی منع و بند است که در اصطلاح مجازات مَصْرَح در قانون جزا است. از نظر حقوقی حدّ را چنین تعریف می‌کنند: «حدود کیفرهائی است که کم و کیف آن کاملاً معین شده و کسی نمی‌تواند آن را بیشتر یا کم کند». البته قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران، نیز به همین ترتیب حدّ را شرعی را در ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی بیان و مقرر کرده: «حدّ، به مجازاتی گفته میشود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است». در قرآن مجید، برای چهارم جرم سرقت، محاربه، زنا و قذف کیفر حدّ معین شده است. در قانون مجازات اسلامی موجبات حدّ را عبارت از سرقت، شرب خمر، محاربه، قذف و اعمال منافی عفت از قبیل زنا، لواط، مساحقه و تفخیز و قوادی ذکر کرد.

قصاص مصدر «قاص-یقاص» است و از باب «قَصَّ أَثَرَهُ ...» یعنی از او پیروی کرد، آمده است و شخص نَقَالَ وقصه گو را از این جهت «قصاص» می‌گویند که از آثار و حکایت



گذشتگان پیروی و آنها را برای دیگران تشریح می‌کند. حقوق دانان قصاص را چنین بیان می‌نماید: «قصاص اسم است و برای انجام دادن مثل جنایت ارتکاب شده، از قطع یا ضرب یا جرح و ریشه آن» به معنی پیروی کردن از اثر است، چون قصاص کننده، اثر جنایتکار را پیروی می‌کند و کاری مانند او انجام می‌دهد. دین اسلام برای پایان دادن انتقام شخصی و فردی قصاص را قانونگذاری نمود. در باب فلسفه این مجازات را می‌توان در چند نکته بر پایی عدالت نظم عمومی جامعه، اجرای فرمان الهی و التیام روح اولیاء دم مورد بررسی قرارداد:

بند دوم: برپایی عدالت و نظم عمومی جامعه

کسی که بر جسم و یا جان دیگری صدمه وارد و او را مجروح و یا مقتول می‌سازد، عادلانه و منصفانه‌ترین مجازات او، رفتار به مثل است.

قصاص سبب حیات و بقای جامعه و دوام حکومت عدل و قسط اسلامی است. این مجازات هر چند که جنبه حق الناسی آن فزونی بر جنبه حق الهی بودن دارد، ولی به کرات اجرای فرمان الهی را خاطر نشان می‌سازد: «در قصاص برای شما حیات و زندگی است ای خردمندان، باشد که پرهیزکار شوید» با نابود ساختن نفسی و جداسدن عضوی از اعضای خانواده، ضربه مهلکی بر پیکره آن جامعه کوچک وارد می‌شود و عکس العمل حاصل از این واقعه، بعضاً در قالب انتقام‌های شخصی و نتیجتاً اقدام جنایت آمیز دیگری پایه ریزی می‌گردد. بدین ترتیب و ورثه او^۱ حق دارند که مجازات قاتل را مطالبه کند و کسی غیر از ولی دم، از چنین حقی برخوردار نیست.

دیات جمع دیه است؛ دیه مصدر است و در اصل «ودی» بوده که و «واو» آن را حذف کرده و در عوض «ه» به آخر آن افزوده اند. در قرآن مجید کلمه دیه فقط دو بار در آیه ۹۲ سوره نساء تکرار شده است. قانونگذار اسلامی از طرف دیات رادر ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی تعریف کرده و می‌گوید «دیه، مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است». و از

^۱ - سوره بقره، آیه ۱۷۸



طرف دیگر در ماده ۲۹۷ میزان آن را مشخص نموده ایت: «دیه قتل مرد مسلمان، یکی از امور ششگانه ذیل است که قاتل در انتخاب هر یک از آنها مخیر می‌باشد و تلفیق آنها جایز نیست:

- ۱- یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.
- ۲- دویست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.
- ۳- یک هزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.
- ۴- دویست دست لباس سالم از حله ی یمن.
- ۵- یک هزار دینار مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است.
- ۶- ده هزار درهم مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر درهم به وزن ۱۲/۶ نخود نقره می‌باشد»

با مطالعه این ماده در بادی امر به نظر می‌رسد که باید در هر شش قسم دیه، رعایت تساوی قیمت شود اما در عمل ملاحظه می‌شود که این تساوی رعایت نشده و ارزش اقسام شش گانه با یکدیگر متفاوت است. قانونگذار اسلامی درصدد رفع این ابهام برآمده و در ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: «در این قانون مواردی از دیات که دیه برحسب دینار یا شتر تعیین شده است فشر و یا دینار موضوعیت ندارد و منظور نسبت مشخص از دیه کامله است و جانی در انتخاب نوع آن، مخیر می‌باشد». منظور و مقصود از موضوعیت نداشتن شتر و دینار این است که جانی می‌تواند به جای شتر و دینار به نسبت آن یکی دیگر از انواع دیات را انتخاب کند.

بعضی از جرائم و تخلفات هستند که خلاف اسلام بوده لیکن چون دارای اهمیت کمتری است و صدمه زیادی به افراد نمی‌زند، لذا حکم بخصوصی برای آنها در نظر گرفته نشده و مجازات آن به اختیار امام واگذار شده که به نحوه مقتضی مجرم و متخلف را به کیفر اعمال خود برساند. این مجازات بر حسب مورد و با توجه به عمل راتکابی و شرایط مرتکب آن تغییر کرده و اصطلاحاً به آن «تعزیر» گفته البته ناگفته نماند که در بعضی موارد، مجازات تعزیری در روایات تعیین و میزان آن در قالب اقل و اکثر و یا به صورت مشخص و معین نظیر حد ذکر شده است. به هر حال بارزترین مشخصه تعزیرات و فرق آن با حد در این است:

۱- موضوع هر حدی در قانون کاملاً مشخص و شرایط هر یک مفصلاً بیان گردیده است در حالیکه در تعزیرات، هیچگونه تشخیص قانونی مشخص نیست و فقط به بیان افعال خلاف اکتفاء شده است.

۲- نوع عقوبتهای حدی در اصل مشخص شده و در محدوده‌های معینی محصور می‌باشد در صورتیکه عقوبتهای تعزیری هیچگونه تعیینی نداشته و به صلاحیت حاکم واگذار شده است.

۳- مقدار تعزیر باید کمتر از حد باشد.

۴- در تعزیر، واسطه و شفاعت مورد قبول واقع می‌شود.

۵- تعزیر به جهت توبه کردن ساقط می‌شود.

۶- تعزیر گاه حق الله است چون دروغ گفتن و گاه حق الناس چون دشنام دادن و گاهی هر دو جنبه را داراست مثل دشنام صالحینی که مرده باشد، ولی حدود کلاً حق الله است مگر قذف و سرقت که محل اختلاف می‌باشد.

مجازات‌های بازدارنده از طرف قانونگذار تعریف نشده، منتهی از آنجائکه در نظام کیفری اسلام، اعمالی وجود دارند که برحسب زمان و مکان از ناحیه حکومت اسلامی ممنوع اعلام می‌شود و یا تکالیف و یا الزاماتی است که حکومت بر فرد اعمال می‌کند و ضمانت اجرای تخلف از آن «مجازات تعزیری» است، لذا مجمع تشخیص مصلحت نظام با توجه به ضرورت نظارت و کنترل دولت بر فعالیت‌های اقتصادی و لزوم اجرای مقررات قیمت گذاری و ضوابط توزیع، قانون «تعزیرات حکومتی» را در تاریخ ۲۳/۱۲/۶۷ به تصویب رسانید و تعزیرات مقررہ علیه متخلفین از اجرای این قانون را «مجازاتهای بازدارنده» نامید.

متعاقب این امر قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۷ در صدد تعریف مجازات بازدارنده بر آمد و مقرر داشت: «مجازات بازدارنده، تادیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین میگردد، از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن».



بند چهارم: انواع مجازات در قانون جدید مجازات اسلامی

ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی جدید انواع مجازات‌های مقرر در این قانون را بیان می‌کند. یکی از نوآوری‌های قانون جدید و تغییراتی که این قانون نسبت به قانون مصوب ۱۳۷۰ داشته، بخش‌بندی مجازات‌ها به چهار دسته است. مجازات‌های مقرر برای اشخاص حقیقی به چهار بخش حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم شده‌اند و مجازات‌های بازدارنده که در کنار تعزیرات، دسته‌ای از مجازات‌ها را تشکیل می‌دادند، در قانون جدید به طور کلی از شمار مجازات‌ها خارج شده‌اند. دلیل حذف مجازات‌های بازدارنده از شمار مجازات‌های مقرر در قانون این است که خود مفهوم تعزیرات به گونه‌ای گسترده است که همه موارد را در برمی‌گیرد و نیازی نیست که مجازات‌ها به پنج دسته حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده تقسیم شوند و همان عنوان تعزیر، مجازات‌های بازدارنده نیز را در برمی‌گیرد. تفکیک مفهوم مجازات‌های بازدارنده از مجازات‌های تعزیری برخی اوقات موجب بروز مشکلاتی می‌شد. از جمله این موارد می‌توان به ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ اشاره کرد. طبق ماده ۱۷۳ این قانون: «در جرایمی که مجازات قانونی آن از نوع مجازات بازدارنده و یا اقدامات تأمینی و تربیتی باشد و از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد مشروحه، تقاضای تعقیب نشده باشد و یا از تاریخ اولین اقدام تعقیبی تا انقضای مواعد مذکوره به صدور حکم منتهی نشده باشد، تعقیب موقوف خواهد شد».

همان‌گونه که در این ماده مشاهده می‌شود، حوزه مقررات مربوط به مرور زمان، محدود به مجازات‌های بازدارنده است و شامل مجازات‌های تعزیری نمی‌شود. در این جا این اختلاف نظر به وجود می‌آید که مجازات کدام یک از جرایم، تعزیری و کدام یک بازدارنده است؟ این موضوع باعث صدور آرای متعددی از سوی قضات می‌شد و به نوعی زمینه تشتت آرا را فراهم می‌کرد. به عنوان نمونه برخی اوقات احکامی صادر می‌شد که مجازات‌های بازدارنده را مورد حکم قرار می‌دادند، در حالی که بسیاری از این جرایم منشأ فقهی دارند و هیچ کس به طور دقیق نمی‌توانست تشخیص دهد که مجازات‌های بازدارنده چیست؟ مجازات‌های تعزیری کدام است و تفکیک قانونی روشنی بین این دو نوع مجازات نشده بود. در قانون



جدید مجازات اسلامی، مرور زمان برای جرایم تعزیری نیز در نظر گرفته شده است که این موضوع در ماده ۱۰۴ این قانون با ظرافت خاصی بیان شده است که مقرر می‌دارد: «مرور زمان، در صورتی تعقیب جرایم موجب تعزیر را موقوف می‌کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضاء مواعد زیر تعقیب نشده باشد یا از تاریخ آخرین اقدام تحقیقی یا تعقیبی تا انقضای این مواعد به صدور حکم منتهی نگردیده باشد...»، لذا دیگر وجود مجازات‌های بازدارنده در عداد مجازات‌های قانونی فاقد وجهت عقلانی و حقوقی به نظر می‌رسد، بنابراین حذف مجازات‌های بازدارنده در کنار پیش‌بینی مرور زمان برای جرایم تعزیری از نوآوری‌های قانون جدید به شمار می‌آید.

از دیگر نکات مثبت در تقسیم‌بندی مجازات‌ها به چهار دسته این است که تعریف مجازات‌های چهارگانه دقیق‌تر و شفاف‌تر بیان شده است. مجازات‌ها مطابق قانون جدید مجازات اسلامی عبارت است از:

۱- حدود: مطابق تعریف مندرج در ماده ۱۵ قانون جدید، حد، مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است. انواع مجازات‌های حدی پیش‌بینی شده در قانون عبارتند از: اعدام، شلاق، قطع عضو، تبعید، حبس ابد و تراشیدن سر.

۲- قصاص: مطابق تعریف مندرج در ماده ۱۶ قانون جدید، قصاص، مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون اعمال می‌شود.

انواع قصاص هم قصاص نفس در قتل عمدی و قصاص عضو در جنایات عمدی دون نفس که همان جرح و نقص عضو و منافع است، خواهد بود. بنابراین ملاحظه می‌شود که تعریف قصاص در این قانون دقیق‌تر بیان شده است.

۳- دیات: مطابق تعریف مندرج در ماده ۱۷ قانون جدید، دیه، اعم از مقدر و غیر مقدر مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایات غیر عمدی بر نفس، اعضا و منافع یا جنایات عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، به موجب قانون مقرر می‌شود.



انواع دیات نیز دیه نفس و دیه اعضاء است که در جنایات غیر عمدی و همچنین جنایات عمدی که در آن‌ها قصاص به هر جهت قابل اجرا نباشد، اعمال می‌شود.

نکته قابل تامل در تعریف دیه در این قانون این است که دیه اعم از مقدر و غیر مقدر در نظر گرفته شده است و در مواد ۴۴۸ و ۴۴۹ قانون جدید آمده است: بنابراین ارش، دیه غیر مقدر دانسته شده است که از جمع بین این دو ماده می‌توان نتیجه گرفت که در قانون جدید، احکام دیه قابل تسری به ارش نیز است.

۴- تعزیرات: مطابق تعریف مندرج در ماده ۱۸ قانون جدید، تعزیر، مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. از نکات قابل توجه در این ماده این است که قانونگذار با آوردن قید «به موجب قانون»، آن هم دوبار، به «اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها» در تعزیرات تاکید کرده است و همچنین با کمی تامل می‌توان به وجود اصل دیگری نیز در این ماده قایل شد، و آن «لزوم رعایت اصل فردی کردن کیفر» در مجازات‌های تعزیری است.

بند پنجم: مجازات‌های محدود کننده آزادی

مجازات حبس باعث می‌شود که آزادی فرد را به صورت اعمال زندان سلب نماید، ولی در مقابل مجازات‌هایی وجود دارند که باعث سلب آزادی کامل از فرد نشده، بلکه آزادی او را محدود می‌نمایند. بدین نحو که گاهی محکوم را از اقامت در محل سکونت خود ممنوع و محروم می‌سازد و زمانی محکوم مجبور به اقامت در محل معین می‌شود. در اقامت اجباری و یا منع اقامت، محکوم به مانند زندانی از آزادی کامل محروم نیست، بلکه در نقاط معینه به زندگی خود ادامه داده و تحت مراقبت و نظارت اصلاحی و تربیتی قرار دارد.

مجازات مالی عبارت است از ایجاد نقص در اموال مجرم که قانون به عنوان مجازات جرم ارتكابی مقرر می‌کند. در خصوص مجازات مالی نیز معایب و مزایا قائل هستند: عده‌ای معایب مجازات مالی را برشمرده اند:



اولاً- مجازات مالی معارض با اصل برابری مجازات می‌باشد، چرا که مجازات مالی اگر برای مجرم فقیر ی سنگس و شدید است، ولی برای مجرمین غنی و ثروتمند چندان اهمیتی نداشته و مجازاتی خفیف محسوب میشود.

ثانیاً- مجازات مالی هیچگونه اثر ارعایی نسبت به افرادی که ثروتمند هستند ندارد.

ثالثاً- مجازات مالی با اصل شخصی بودن مجازات مغایرت دارد.

رابعاً- مجازات مالی، مجازاتی است که دادرس دادگاه نمی تواند با میزان دارائی و توانائی مالی مجرم در اجرای فردی کردن مجازات، متناسب باشد. در مقابل این ایرادات، برعکس عده‌ای معتقد به دارا بودن محاسن برای مجازات مالی بوده و چنین توجیه می کنند که:

اولاً- مجازات مالی، خلاف مجازات زندان که محیط آن طبیعتاً جرم زا ست ایجاد تباهی و فساد خصوصاً در مجرمین اتفاقی نمی کند.

ثانیاً- مجازات زندان نسبت به مجرمین اعتیادی، فاقد اثر ارعاب و تخویف بوده و فرد مجرم پس از محبوس شدن به محیط عادت کرده و احساس ترس او می ریزد، در حالی که در مجازات مالی مجرم به آن عادت نکرده و همواره از آن، هر چند که تکرارکننده جرم باشد، مرعوب می شود.

نتیجه گیری

یکی از مباحث مهم در استخراج هر قانونی استفاده از تجربیات دیگران در زمینه مورد بحث است که برای قانون تجارت نیز از این اصل مهم استفاده شده است. از قوانین مصر، قانون مجازات فرانسه و قوانین آمریکا البته تا آنجایی که با موازین شرعی ما تداخلی نداشت، در تنظیم این قانون استفاده شده است. البته این استفاده بدین شکل بوده که پژوهش‌های لازم درباره این قوانین انجام شده و سپس از نتایج این تحقیقات الهاماتی با توجه و عنایت به موازین دینی و شرعی گرفته شده است که در تدوین قانون جدید مورد استفاده بوده‌اند. برای نوشتن مواد مربوط به مجازات‌های اشخاص حقوقی از قانون فرانسه استفاده شده و برای تقسیم‌بندی



تعزیرات به ۸ درجه از ماده ۱۹ قوانین عمومی ایالات متحده استفاده شده، که البته همه این موارد با تغییرات مورد نیاز برای مطابقت با شرع و قوانین داخلی انجام شده است. ■

قانون مجازات اسلامی جدید، فصل‌های متعددی دارد که در خصوص بخش‌های کلیات آن می‌توانم بیشتر توضیح داد. فصل کلیات به ۶ بخش تقسیم شده است. بخش نخست به تعریف مواد عمومی پرداخته، در بخش دوم به مجازات‌ها نگریسته شده و این بخش به ۳ مبحث مجازات‌های تکمیلی، اصلی و تبعی می‌پردازد. بخش سوم به جرایم اختصاص دارد، بخش چهارم شرایط و مسئولیت‌های کیفری را بررسی می‌کند و در نهایت دو بخش آخر به ادله اثبات در مسایل کیفری و مسایل متفرقه خلاصه می‌شود. حدود و قصاص و دیات نیز بخش‌های متعددی را شامل می‌شوند. مشکل اصلی بوده است، که در بخش دیات و حدود، زبان نوشتاری متن کمتر حقوقی است، در حالی که از لحاظ فقهی عالی است. با توجه به اینکه حدود ۹ جرم و قصاص ۱ یا ۲ جرم را بررسی می‌کند و اکثر جرایم به تعریف‌های بخش کلیات مربوط می‌شود که می‌توان گفت قانون قابل قبولی است. ■

منابع وماخذ

۱. قرآن کریم
۲. اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ هفتم،، تهران: نشر میزان ۱۳۸۶
۳. استفانی، حقوق جزای عمومی، ترجمه دادبان، چاپ دوم: تهران. انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی ۱۳۸۹
۴. اصغر زاده بناب، محشای آرای وحدت رویه جزایی چاپ سوم،، تهران: نشر مجد ۱۳۸۹
۵. اوشیدری، دانشنامه مزدايسنا،، تهران: نشر مرکز ۱۳۷۸
۶. باهری، حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، تهران: نشر مجد ۱۳۸۵
۷. پیرنیا، تاریخ ایران باستان، جلد اول،، تهران: انتشارات دنیای کتاب ۱۳۸۹
۸. جوان، مجموعه قوانین زرتشت، چاپ تهران: نشر عدالت ۱۳۹۲
۹. حداد عادل، دانشنامه جهان اسلام، جلد ششم، تهران: چاپ دایره المعارف بزرگ اسلامی ۱۳۹۲
۱۰. خالقی، آیین دادرسی کیفری، چاپ سوم، تهران: انتشارات شهر دانش ۱۳۹۰
۱۱. خزائی، احکام قرآن، تهران: انتشارات جاویدان ۱۳۸۲
۱۲. دانش، تاجزمان، مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟، چاپ هفتم، تهران: انتشارات کیهان ۱۳۸۸
۱۳. زرین کوب، تاریخ مردم ایران، جلد اول، چاپ اول تهران: انتشارات امیرکبیر ۱۳۹۳
۱۴. شامیاتی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ ششم، تهران: انتشارات ویستار ۱۳۹۰
۱۵. شامیاتی، ه، حقوق جزای اختصاصی، سه جلد، انتشارات مجد ۱۳۷۹





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی